

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۱۲ می ۲۰۱۹

(چنین یار که دیده)

کارش همه ناز است، چنین یار که دیده است؟
چون مژه او دشنه خونریز که دارد
غیر از دل من، شیر ستمکش که شنیده
رنجاند و می رنجد، اگر ناله کنم من
گه خواند و گه راندم و گه نشناسد
نشر زدم بر رگ و خون گیردم از دل
چشمش به نگاه غضب، از هر طرفم تیر
جان در عوض یک نگهش دادم و گوید:
از یار جفا بینم و با غیر کنم جنگ

نازش همه با ماست، چنین کار که دیده است؟
چون دیده من چشمه خونبار که دیده است؟
جز چشم وی، آهوی ستمکار که دیده است؟
اینسان، بت بی رحم و جگرسوز، که دیده است؟
از دلبر خود، این همه آزار که دیده است؟
این شیوه پرستاری بیمار که دیده است؟
بر دل زند؛ اینگونه طرفدار که دیده است؟
«دل، سر بده!» این گرمی بازار که دیده است؟
عاشق چو من، این دوره، وفادار که دیده است؟